

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته

شهری در جهان و ایران

کسری آشوری*، کیومرث ایراندوست**، میلاد دوستوندی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵

چکیده

پدیده فقر پس از دوران صنعتی شدن به تدریج با چرخش فضایی و در چارچوب گذار از پدیده‌ای روستایی و صنعتی به پدیده‌ای شهری جایگزین شده و با رسیدن به گام دوم انباشت سرمایه در شهرها، چهره‌ای نو به خود گرفته که همواره رو به بازتولید بوده است. چندین دهه است که برای نمود کالبدی این مسئله‌مندی نام‌های گوناگونی از جمله سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، بافت‌های مسئله‌دار و از این دست موارد به کار می‌رود. در این گذار در سطح جهانی در دوره‌های گوناگون دیدگاه‌های ناهمسانی برای برخورد با این پدیده اتخاذ شده است که هر یک آغاز گفتمانی غالب بر این مسئله‌مندی بوده است. هر یک از این گفتمان‌ها بر پایه خواسته‌ها و الزامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیز کاستی‌هایی که گفتمان حاکم به آن دچار شده‌اند، نظام معنایی خود را بازساخته و آن را به‌عنوان نظامی کارآمد در برون‌رفت از چالش‌های جامعه ارائه می‌دهد. در این راستا در سطح جهانی از هنگام چیرگی سرمایه‌داری تاکنون در گفتمان توسعه، گفتمان فرهنگ فقر و آسیب‌شناختی، دیدگاه‌ها و روش‌های گوناگونی برای برخورد با فقر و سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری اتخاذ شده است. این گفتمان‌ها به‌صورت مستقیم بر شرایط ملی و گفتمان رایج دوره در ایران اثر داشته است. به همین ترتیب گفتمان رایج و سیاست‌ها و رویکردهای برآمده از آن در هر دوره به‌صورت مستقیم بر شرایط محلی تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان انتقادی، سرمایه‌داری، فقر شهری، سکونتگاه خودانگیخته شهری، فروکاست گرایی

* k.au70@uok.ac.ir

* دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

** k.irandoost@uok.ac.ir

** دانشیار شهرسازی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول).

*** milad.doostvandi@uok.ac.ir

*** دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

مقدمه و طرح مسئله

در چند سده گذشته چیره شدن اقتصاد سرمایه‌داری شهرمدار، کاستی‌ها و نارسایی‌های دولت و بازار رسمی و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت گسترده از حواشی فقر برای برخورداری از فرصت‌ها و با امید به آینده‌ای بهتر به سوی مراکز ثروت شهری را در پی داشته است؛ این روند با ناکارآمدی دولت‌ها و شهرها در تأمین نیاز به‌ویژه مسکن و اشتغال، به گسترش سکونتگاه‌های تهیدست نشین شهری انجامید، به طوری که اکنون یک‌سوم از افراد ساکن در شهرهای جنوب در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری زندگی می‌کنند (Turok & Borel-Saladin, 2018).

برای این سکونتگاه‌ها واژگان و اصطلاحات گوناگونی همچون سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، بافت‌های ناکارآمد، سکونتگاه‌های خودانگیخته، حلی‌آبادها در متون به‌کاررفته و بیشتر به‌عنوان آسیبی برای شهرها شناخته شده‌اند؛ اما گسترده‌تر و ژرف‌تر شدن ابعاد چالش هیچ‌گاه با کارایی گفتمان چیره برای چاره‌اندیشی همراه نبوده است. گفتمانی که با نگاهی سطحی و بیشتر به دور از پذیرش اجبارهای گریزناپذیر این فرآیند، با دیدگاهی تحقیرآمیز تهیدستان را شهروند ندانسته و آنان را عامل اصلی مسئله نگرسته و قربانی را با متهم جایگزین می‌کند.

در چنین شرایطی فن‌سالاران دولتی و جامعه علمی نیز بدون درک دقیق تجربه زیسته تهیدستان، به‌عنوان عنصری گفتمان ساز بر این موضوع دامن زده‌اند؛ به نظر می‌رسد گفتمان جریان چیره، عملاً نتوانسته است با نگرشی ریشه‌نگر و شناخت لایه‌های زیرین واقعیت مسئله سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری را مفهوم‌پردازی کند و سازوکارها، نیروها و گرایش‌های ساختاری این مسئله را شناسایی و تبیین نماید. از این‌رو شناخت و صورت‌بندی گفتمان‌های رایج سودمند است که در این پژوهش کوشش شده است با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان و با نگاهی جهانی - ملی، گفتمان‌های چیره در هر دوره شناسایی و صورت‌بندی شود.

روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی و روش تحلیل انتقادی گفتمان (Fairclough, 1995 & Fairclough, 1992) است. در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، سه حوزه تحلیل شامل متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری، یا ترکیبی از آن‌ها)، کنش‌های^۱ گفتمانی (تولید و مصرف متن را در برمی‌گیرد) و کنش‌های اجتماعی است (سرایبی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۴). در حقیقت گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی هستند و علاوه بر آن تعیین‌کننده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی و سیاسی هستند (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۱). ارتباط گفتمان با واقعیت ارتباطی دیالکتیکی است (Fairclough, 2003)؛ رابطه دیالکتیکی میان ساختار و رخدادها جزء جدایی‌ناپذیر گفتمان است، به‌نوعی که گفتمان به‌واسطه ساختارها شکل می‌گیرد اما خود در شکل‌دهی مجدد ساختارها و در بازتولید و تغییر آن‌ها نیز سهم دارد.

این ساختارها به‌طور بی‌واسطه دارای ماهیتی گفتمانی و ایدئولوژیک‌اند اما به‌طور غیرمستقیم، ساختارهای سیاسی و اقتصادی، مناسبات بازار، روابط مبتنی بر جنسیت، روابط موجود در دولت و نهادهای جامعه مدنی را نیز در خود جای می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶)؛ گفتمان زمانی به ثبات معنایی برسد، به یک گفتمان هژمونیک تبدیل خواهد شد (مقدمی، ۱۳۹۰). در تحلیل گفتمان برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، صرفاً به عناصر نحوی و لغوی توجه نمی‌شود؛ بلکه عوامل برون‌متنی یعنی بافت موقعیتی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

جدول ۱- ساختار روش تحلیل انتقادی گفتمان از دیدگاه فرکلاف

کنش‌های گفتمانی	در این روش مفهوم گفتمان برای متن، گفت‌وگو و سایر نظام‌های معنایی به کار می‌گیرد و گفتمان را از سایر کنش‌های اجتماعی جدا می‌کند. این روش گفتمان را به نظام‌هایی چون متن و تصویر محدود می‌کند.
قدرت	قدرت ابزاری در اختیار افراد، گروه‌ها و احزاب یا دولت است و ادعا بر این است که کنش‌های گفتمانی به خلق و بازتولید روابط نابرابر قدرت، ایجاد طبقه، فقیر و غنی، مصرف‌گرایی و تقویت نظام سرمایه‌داری منجر می‌شود.
ایدئولوژی و هژمونی	در این رویکرد مرز مشترکی میان گفتمان‌های ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک وجود دارد؛ زیرا این رویکرد بر این باور است که حقایق انکارناپذیری مانند عدالت و برابری، نفی ظلم و بهره‌کشی از دیگران وجود دارد که بارهایی از سلطه و از طریق آشکارسازی ایدئولوژی‌ها و آگاهی توده‌ها نسبت به آن دست‌یافتنی است.
فاعل شناسایی (Subject)	از نظر این رویکرد فاعل شناسایی‌ها از یک سو به واسطه گفتمان، مجموعه واژگان و کلمات لازم برای تغذیه گفتمان‌ها را خلق می‌کنند و ممکن است عناصری از گفتمان‌های مختلف را برگزینند و گفتمان‌های تلفیقی جدیدی را بسازند اما از سوی دیگر، از طریق همان گفتمان‌های خلق‌شده، دوباره به فاعل شناسایی تبدیل می‌شوند.
تاریخ	تحلیل انتقادی گفتمان از این نظر تحلیلی ایستاست (تاریخی نیست) و برشی از متن را در یک برهه تاریخی خاص بررسی می‌کند. متون موردعلاقه این رویکرد، آگهی‌های بازرگانی، روزنامه‌ها و اخبار و اطلاعیه‌هاست. علت این امر این است که پیش‌فرض‌های طبیعی شدگی و هژمونی صاحبان قدرت، به‌خوبی در آن منعکس شده است.

منبع: شقاقی و فدائی، ۱۳۹۲ و یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵

در این پژوهش کوشش شده با نگاهی دیالکتیکی روند گفتمان‌های رایج پیرامون سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری بررسی شود. در این راستا نخست در سطح بین‌الملل مسائل اجتماعی و سیاسی، اندرکنش‌های اجتماعی و ساختار اجتماعی در چارچوب

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۷۷

روابط قدرت بررسی شده است. سپس دال برتر^۱ و ایدئولوژی‌های چیره تولیدشده توسط گروه فن‌سالار علمی و دولتی به‌وسیله مرور قوانین، کتب، مقالات و نگرش‌های مختلف در قالب دیدگاهی انتقادی و هم‌راستا با چارچوب قدرت و نگرشی یکتا، تحلیل و اثرات آن در ایجاد هژمونی چیره، ساختارهای اجتماعی و طبیعی‌شدگی این‌همانی گفتمان‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

پس از بررسی سطح بین‌الملل، گفتمان‌های سطح ملی (ایران) مورد بررسی قرار گرفته و اثرات توسعه برون‌زا بر نگرش چیره و جریان موجود بررسی شده است. گفتمان‌های موجود در ایران در چارچوب گفتمان‌های سطح بین‌الملل تحلیل و در چارچوب نظام تحلیل و تولید گفتمان و نگرشی یکتا و دیالکتیکی مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای دریافت یکتایی موضوع شناسایی^۲ مورد پژوهش و دریافت تفاوت این هستی‌نوید با هستی‌های دیگر برخورد ما با موضوع مورد پژوهش، به توصیفی صرف فروکاسته نمی‌شود و دارای سویه انتقادی است.

۱- صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در جهان

از دیرباز شکاف طبقه دارا و ندار و فرا دستان و فرودستان بوده است ولی امروزه با تأثیر و غلبه نئولیبرالیسم جهانی تشدید شده است. از نگاه تاریخی شکل‌گیری و گسترش نظام گفتمان ساز سرمایه‌داری، پس از دوران فئودالیسم و نظام اقتصادی سوداگری^۳ در اروپای غربی ظهور یافت و از ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی به اوج قدرت

۱- در هر گفتمان دلالت‌کننده‌هایی هستند که شناورند و دال‌هایی وجود دارند که برای آن گفتمان جنبه محوری دارند؛ در واقع در روش گفتمانی باید دال‌هایی را به نام دال‌های مرکزی یا محوری جستجو کرد که در مفصل‌بندی گفتمانی، مفاهیم و اجزای دیگر را کنار هم نگاه می‌دارد و به آن‌ها وحدت می‌بخشد. دال برتر مفهوم کلیدی و هویت‌بخش در هر گفتمان است که نشانه‌هایی دیگر در سایه آن منتظم می‌گردد و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (خزایی، ۱۳۸۸).

2. Object (in English) & Objet (in France)
3. Mercantilism

فکری و عملی رسید و نقشی بااهمیت در مراحل آغازین سرمایه‌داری صنعتی ایفا کرد. در طول سده هجدهم با تفکرات دانشمندانی چون دیوید هیوم و جان لاک در عقاید آدام اسمیت تفکر لیبرالیسم کلاسیک پایه‌گذاری و تداوم یافت (Yilmaz; Genc, 2011؛ تفضلی، ۱۳۹۳).

این مکتب را می‌توان نخستین هژمونی چیره جهانی دانست که با تز لیبرالیسم اقتصادی و بر اساس جهان‌بینی سرمایه‌داری آزاد و فلسفه اصالت فرد نخستین گفتمان مؤثر بر جامعه را شکل داد (فوکویاما، ۱۳۷۲)؛ اما آزادی‌های بی‌حدومرز، بازار آزاد و سودجویی‌های سیری‌ناپذیر و نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن و سلب همان آزادی‌ها، پدید آمدن توده انبوه تهیدستان در کنار انباشت ثروت کارفرمایان و هزاران مشکل فردی و اجتماعی دیگر را به دنبال داشت.

این چالش‌ها و تردید در درستی اندیشه‌های لیبرالیسم به شکل‌گیری ایدئولوژی جدید موسوم به لیبرال دموکراسی و شکل‌گیری دولت رفاه و همچنان تداوم و ژرف‌تر شدن نابرابری‌ها شد (Rawls, 1971)؛ در واقع بحران دهه هفتاد موجب تغییر سیاست‌های لیبرالیسم و بازنگری در حاکمیت دولت مداخله‌گر و بزرگ یا نظام سیاسی متکی به دولت اقتصادی گشت و زمینه ایجاد نئولیبرالیسم جهانی در دولت‌های محافظه‌کار تاچر و ریگان را ایجاد کرد و به‌عنوان هژمونی چیره و گفتمان ساز مطرح شد که همان‌طور که هاروی اشاره می‌کند بیش از پیش تناقض‌های درونی آن هویدا شد (قراگوزلو، ۱۳۹۲؛ Mittelman, 2000؛ صادقی‌بروجنی، ۱۳۹۰؛ هاروی، ۱۳۸۶).

در هر حال دو گفتمان چیره در دو سده گذشته در تضاد با یکدیگر شکل گرفت؛ از یک‌طرف پیروان گفتمان محافظه‌کار که به نظم جامعه سرمایه‌داری مشروعیت می‌بخشد و از طرف دیگر گفتمان سوسیالیستی که این جامعه را به‌صورت رادیکال نقد می‌کند (Xing & Hersh, 2004: 102). در ادامه با توجه به گستره وسیع نفوذ دیدگاه سرمایه‌داری در سطح جهانی گفتمان توسعه، فرهنگ فقر در دوران تسلط لیبرالیسم و پس‌از این دو، گفتمان آسیب‌شناختی در دوران غلبه نئولیبرالیسم جهانی قابل توجه بودند.

۱-۱- گفتمان توسعه

در گفتمان توسعه که برخاسته از نگاه لیبرالیستی است، با واکاوی فقر در دو مفهوم نسبی و مطلق، فقر بیشتر به‌عنوان پیامدی از انتخاب مردم تهیدست قلمداد شده و مهاجرت از روستا به شهر را در توسعه اقتصادی امری ناگزیر می‌دانستند (Lomasky & Swan, 2009; Davis & Sanchez Martinez, 2014؛ نقدی، ۱۳۹۲، پولانی، ۱۳۹۸: ۲۴۶). در سده نوزدهم با یک دیدگاه رفتاری بودن فقر برای انگیزه کارگران ضروری دیده می‌شد (Townsend, 1979). در این دوره لیبرالیسم برای کاهش فقر بیشتر از اینکه تأکید بر بازسازی دارایی‌های تهیدستان داشته باشد، تأکید برافزایش روحیه و انگیزه برای ایجاد امنیت اقتصادی در بازار دارد؛ در این دیدگاه با افزایش توسعه اقتصادی سروسامان تهیدستان بهبود خواهد یافت. این امر مایه نادیده گرفتن تهیدستان شد و باگذشت زمان و دست نیافتن به اهداف، شیوه‌های قهرآمیز و به‌گونه‌ای برخورد حذفی با پدیده و سرانجام تخلیه اجباری^۱ رویکردی فراگیر شد (Lomasky & Swan, 2009: 501؛ پاتر و ایونز، ۱۳۸۴؛ شیخی و داودوندی، ۱۳۸۹).

پیامدهای تهدید به تخلیه، تنش فراوانی در شهرها و میان گروه‌های ذینفع پدید آورد که در برخی موارد به شورش‌های شهری گسترده کشانده شد (آندرویچ، ۱۳۸۰: ۱۹). در دوران شکل‌گیری جنگ جهانی دوم و پس‌از آن سیاست‌های خودخواهانه تجاری دولت‌ها توان مقابله با قشرهای مختلف جامعه به‌ویژه توده تهیدستان را نداشت. در این دوران این دیدگاه تقویت شد که گناه فقر به گردن فقرا نیست و دولت‌ها باید مسئولیت اقدامات لازم را بپذیرند. برآمده از این گفتمان و در راستای ضرورت بازسازی شرایط پس از جنگ، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم^۲ (بانک جهانی) و سازمان تجارت جهانی (۱۹۴۴) با برگزاری کنفرانس برتون وودز تشکیل شدند (نعمان‌فر، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

1. Force Eviction
2. IBRD

در این دوران گفتمان دانشگاهی و علمی تأثیر بسیاری بر گسترش مفاهیم لیبرالی داشت. تأثیرگذارترین فرد، چارلز آبرامز^۱ و طرح لزوم مداخله دولت در تأمین کارآمد زمین و مسکن فقرا قابل توجه بود. تقریباً برنامه مسکن عمومی فدرال در ایالات متحده آمریکا با قانون ملی بازسازی صنعتی (۱۹۳۳) از این تفکرات سرچشمه گرفت (محمدی و آشوری، ۱۳۹۶؛ پاتر و ایونز، ۱۳۸۴؛ McDonald, 2011) و سپس به شکل‌های مختلف مسکن عمومی در کشورهای دیگری انجامید؛ اما هزینه بالا، ناهمخوانی نقشه واحدها با سبک زندگی، پوشش ندادن گروه‌های تهیدست، تأکید بر استانداردهای غیرواقع‌بینانه، نبود توان پرداخت اقساط از سوی مالکان، مکان‌یابی نامطلوب مجموعه و بیشتر دور از مکان کار و مراکز شهری از جمله عوامل ناکامی و شکست رویکرد خانه‌سازی و مسکن عمومی بود (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۱۵). در سال ۱۹۶۴، برنامه شهرهای نمونه^۲ در دوره ریاست جمهوری جانسون برای حل مشکل سکونتگاه‌های فقیرنشین شکل گرفت که با افزایش منابع برای بازسازی مسکن تهیدستان، افزایش سطح خدمات و کیفیت محله همراه بود (Hall, 2014: 310)؛ مجموعه این سیاست‌ها به‌عنوان رویکردهای جهانی در رویکردهای کشورهای مختلف در چالش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری بسیار اثرگذار بود.

البته چنانکه مارکوزه گفته سیاست‌های مسکن و برخورد با مسئله مندی فقر در این دوران همواره در راستای نیت‌های خیرخواهانه سرمایه‌داری و دولت‌ها نبوده است؛ بلکه ناشی از فشارهای نیروهای فراتر از بخش مسکن مانند رکود و بیکاری شدید، جنگ یا نیازهای جنگ، تغییرات جمعیتی شهرها، تجدید ساختار اقتصادی، تغییر استفاده از زمین‌های مسکونی و یا تنش‌های نژادی بوده است (Marcuse, 1995: 253). به‌طورکلی گفتمان لیبرالیسم در برخورد با فقر و نمود آن ناکام بود و در هر دوره با مشکلات متعددی مواجه بوده است و ناکارآمدی این سیاست‌ها تنها باعث تحریک

1. Charles Abrahms
2. The Model cities program

کلیشه‌های نژادی، پروراندن آسیب‌شناسی در میان فقرا و کاهش حمایت عمومی از تلاش‌های ضد فقر شد (Soss & Schram, 2006).

۱-۲- گفتمان فرهنگ فقر

گفتمان فرهنگ فقر^۱ نه به‌عنوان یک هژمونی چیره بلکه به‌عنوان یک ایدئولوژی و شاخه‌ای از گفتمان توسعه در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت. در این راستا دیدگاه‌های محافظه‌کارانی چون اسکار لوئیس، ادوارد بنفیلد^۲ و توماس سول^۳ بنیادهای نظری شکل‌گیری این گفتمان را پدید آورد. اسکار لوئیس مردم‌شناس آمریکایی بر پایه پژوهش‌های خود بر در مکزیک و پورتوریکو "فرهنگ فقر" را در پیوند با خرده‌فرهنگ‌های مردمی که در فقر زندگی می‌کنند مطرح کرد که کمبود منابع خود را با مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌های منفی پاسخ می‌دهند (Hill & Gaines, 2007: 83). او بر این باور بود که برای مردانی که دارایی و مشاغل پایدار ندارند، چشم‌انداز سرمایه‌ای برای فرزندان ناامید از آینده آن‌ها وجود ندارد و در یک حلقه گریزناپذیر فقر گرفتار هستند (Lewis, 1966: 22).

یکی از مفاهیم بنیادی لوئیس پنداره ذهنیت حاشیه‌ای^۴ است و اشاره می‌کند که "آن‌ها حتی اگر در قلب شهر نیز واقع شوند حاشیه‌نشین هستند" (Harrison, 1976: 833)؛ نقدهایی وارد شده بر این گفتمان و بازاندیشی پیرامون فرهنگ فقر از همان ابتدا برخی دستداران آن را پریشان کرد؛ زیرا به‌جای واکاوی علت اصلی دور تسلسل فقر را مطرح کردند (Harvey & Reed, 1996). در ادامه ادوارد بنفیلد (۱۹۶۸) در کتاب

-
1. Culture of Poverty
 2. Edward Banfield
 3. Thomas Sowell
 4. Marginal Mindset

"شهر غیر آسمانی"^۱ مدعی شد که فرهنگ فقر طبقه پایین، از جمله ماهیت خرده‌فرهنگ‌های طبقاتی است و مردم را می‌توان به طبقات فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها و به‌خصوص ارزش‌های نسبت به آینده تقسیم کرد. از نگاه بنفیلد رفتارهای مرتبط با موفقیت و شکست از جهت‌گیری فرد به آینده حاصل می‌شود (Banfield, 1968: 47).

توماس سول از بلک اکونومیست‌ها^۲ و محافظه‌کارانی بود که با تمام برنامه‌های دولتی برای بهبود وضعیت فقرا، به‌خصوص سیاه‌پوستان مخالف بود. او ادعا می‌کند که نظریه فرهنگ فقر که ساخته فقر است، نتیجه ارزش‌های فرهنگی ضعیف است. البته دیدگاه سول در ارزش‌ها با دیدگاه بنفیلد متفاوت است. او با بررسی وضعیت اقتصادی گروه‌های مختلف اذعان می‌کند که برخی از گروه‌های فقیر در گذر زمان بهبود یافته‌اند و این امر به دلیل برتری نگرش و ارزش‌های آن گروه فقیر نسبت به دیگر فقر است (Vedlitz, 1988: 241-242). این نگاه و پیامدهای اجرایی آن بطور گسترده مورد نقد بوده است (جدول ۳)، برای نمونه جنیس پرلمن با تأکید بر انسجام و سازمان‌دهی اجتماعی چشمگیر و توان درونی اجتماعات خودانگیخته شهری، اشاره می‌کند که این افراد بسیار توانمند و به آینده زندگی خود خوش‌بین بوده و مشتاق دریافت سطوح بالاتر تحصیلات برای فرزندان خود هستند. به لحاظ اقتصادی بسیار فعال و سخت‌کوش هستند. به لحاظ سیاسی نیز افراد تندروری نبوده و صرفاً خواستار ارتقای وضعیت سکونت خویش هستند (Perlman, 1973).

-
1. The Unheavenly City
 2. black economist

جدول ۲- بررسی نقدهای وارد شده بر گفتمان فرهنگ فقر

ردیف	پژوهشگران	مفهوم / دیدگاه
۱	Valentine (1968: 142-143)	تأکید بر پیامدهای روان‌شناختی فقر و نادیده گرفتن فرآیندهای اساسی چون تبعیض‌های سازمانی و سیاسی
۲	Morris (1968: 131)	تأکید بر تأثیرات منفی برچسب زدن به این شهروندان و لزوم دقت در بازتعریف واژگان مورد استفاده.
۳	Kochar & Berndt (1969: 188)	لوئیس بر این امر تأکید داشت که فرهنگ فقر سازگار است و به زنده ماندن فقرا در شرایط خود کمک می‌کند. گرچه فرهنگ فقر بیشتر امری منفی انگاشته می‌شود اما برخی جنبه‌های مثبت آن در خصوص فقرا وجود دارد.
۴	Eames and Goode (1970; 481)	ویژگی‌های مورد استفاده در فرهنگ فقر تا جایی دچار ارزش‌گذاری شده است و باعث ایجاد دید به فقرا خواهد شد.
۵	Townsend, (1979: 69)	لوئیس به‌وضوح در خصوص فرهنگ و خرده‌فرهنگ سخن نگفته است و مفهوم خرده‌فرهنگ از جامعه‌شناسی آمده و هرگز به‌طور کامل در انسان‌شناسی قابل‌تعریف نیست. معنای خرده‌فرهنگ به‌عنوان نظامی از ارزش‌ها، باورها و نهادهای "مثبت و پایدار ایجاد شده" و در تناقض با استدلال اکثریت جامعه با واژگانی چون بی‌ثباتی، فتنه‌گری، ناتوانی و از بین بردن خودمختاری است.
۶	Murry et al (2001; 911)	اگرچه لوئیس ایدئولوژی فرهنگ فقر را به‌عنوان ایدئولوژی‌ای که مرزهای ملی و قومی را در برمی‌گیرد معرفی کرد؛ اما لوئیس در کشوری این پژوهش را مطرح ساخت که اقلیت قومی نداشت.
۷	Gajdosikienė (2004: 92)	مفهوم فرهنگ فقر، فقرا را به خاطر شرایطشان سرزنش می‌کند. لوئیس خود فقرا را در معرض پیامدهای منفی قرار می‌دهد. این مفهوم از سوی ساختار قدرت و سیاست مورد سوءاستفاده قرار گرفت و مردم هرگز به دنبال ریشه‌های این امر نبودند.

۱-۳- گفتمان آسیب‌شناختی

بحران‌های سرمایه‌داری در اواخر دهه ۱۹۷۰، از جمله بحران در سیاست‌های اقتصادی دولت رفاه، فروپاشی سیاست‌های اقتصادی - سیاسی ملی، زوال نظریه کینزی، بین‌المللی‌تر شدن اقتصاد سرمایه‌دارانه، ضعف فرآیندهای دولت ملی، حرکت به سوی دولت کوچک و خصوصی‌سازی همه‌جانبه امکان تکامل و تغییر سیاست‌های لیبرالیسم برای دهه‌های بعد تبدیل نئولیبرالیسم به ایدئولوژی حاکم و مسلط در جهان مبدل شد (رهنما، ۱۳۹۵).

شکل‌گیری واژه "غیررسمی" در دوران گفتمان نئولیبرال در یک مفهوم اقتصادی توسط "کیت هارت" (۱۹۷۱) (مردانی، ۱۳۹۴) مطرح شد و به تدریج دوگانه رسمی/غیررسمی در متون سازمان بین‌المللی کار بیشتر زیر شعار حمایت از بخش غیررسمی را در پی داشت. به تعبیر بروملی چنین رویکردی در حمایت از بخش غیررسمی، کمک به فقرا را به نحوی ممکن می‌کرد که تهدیدی برای ثروتمندان ایجاد نکند. به همین دلیل است که از دیدگاه الصیاد زیست غیررسمی شهری منطقی سازماندهی‌ای است که ذیل پارادایم آزادسازی اقتصادی شکل گرفته است (الصیاد، ۱۳۹۵).

در این شرایط و در راستای سیاست‌های جهانی نئولیبرالیسم، اهداف نهادها و سازمان‌های بین‌المللی همچون برنامه توسعه سازمان ملل متحد (کاهش فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره)، مرکز اسکان بشر ملل متحد یا هیئات (بهبود کیفیت زندگی) و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و به‌عنوان بازوهای چنین سیاست‌هایی برای کنترل و جهت دادن اقتصاد جهانی تکامل یافت (سازمان ملل متحد ایران، ۱۳۸۹: ۱۴؛ موسی زاده، ۱۳۷۹: ۲۱۶-۲۱۵، United Nation conference on human settlement, 1976؛ ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۴۴؛ رهنما، ۱۳۹۵؛ کاکرین، ۱۳۹۷). این سازمان‌ها در چارچوب نئولیبرال درحالی‌که به نهادها و ابزارهای تشکیلاتی در خدمت دفاع از

ثروتمندان هستند، به‌ظاهر با فشارهای ایجادشده سیاسی به محرومان نیز کمک می‌کنند (ایوانز، ۱۳۸۴: ۳۶۹).

در این دوران رویکردهایی چون خودیاری^۱ (منتج از تفکرات ترنر) و الگوی مکان و خدمات برای برآورده کردن مسکن از سوی بانک جهانی ترویج شد که بیشتر دولت‌ها با نقش تسهیلگر، از ورود ساخت مستقیم مسکن دور شدند (Gattoni, 2009: 4-5)؛ در بسیاری از موارد طرح‌ها به دلیل هزینه‌های بالا نتوانست مشکل گروه‌های هدف را حل کند و بیشتر با پیامدهای نامطلوب گسترش شدید فضای شهری و احتکار زمین و اعیان‌سازی همراه شد (Matovu, 2000:5 و Cities Alliance, 2011: 5)؛ همچنین اعتبارات خرد به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های کمک به فقرا که توسط محمد یونس مطرح و در گرامین بانک بنگلادش (۱۹۸۳) برجسته شده بود (یونس، ۱۳۹۲) به رهیافتی فراگیر تبدیل شد.

اگرچه شاید به دلیل اعتمادسازی تدریجی، بسیاری از موسسه‌های تأمین مالی خرد به تدریج از الزام رسمی مسئولیت مشترک فاصله می‌گیرند (بنرجی و دوفلو، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۳۴). ناکامی بیشتر این سیاست‌ها به شکل‌گیری و تقویت رویکرد ارتقاء بخشی یا بهسازی انجامید. سیاست بهسازی نیز به دلیل تمرکز بر بخش کالبدی و یا جابجایی ساکنان نتوانست تنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به حاشیه رانده‌شدگان را برطرف نماید (Kovacic & Giampietro, 2017). در این دوران تأکید هرناندو دِسوتو بر جستار امنیت سکونت و مالکیت افراد در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری، و تأکید او بر جنبه‌های مثبت حضور فقرای شهری در عرصه کارآفرینی شهری و انباشت سرمایه فقرا به‌مثابه دارایی برای سرمایه‌داری بر نگاه دولت‌ها و سازمان‌های جهانی و تقویت رویکرد بهسازی و توانمندسازی بسیار مؤثر بود (دوسوتو، ۱۳۸۵؛ دِسوتو، ۱۳۸۹).

در راستای تعیین سیاست‌های عمده توانمندسازی، بانک جهانی توصیه مستقیمی در مورد لحاظ نمودن چهار سیاست عمده توانمندسازی از جمله تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و آزادسازی و تسهیل ضوابط نیاز مبنایی در بهبود وضعیت محرومین شهری دارد (World Bank, 1993). در همین راستا در دهه ۲۰۰۰ بانک جهانی و هیئات برنامه عملیاتی شهرهای بدون سکونتگاه‌های فرودست شهری را آغاز کردند که هدف آن بهبود شرایط زندگی افراد کم‌درآمد بود (UN-Habitat, 2003). همچنین برنامه اسکان بشر ملل متحد در راستای به حاشیه بردن جنبش‌های رادیکال، رویکردها و گزاره‌هایی سطحی همچون شهرهای فراگیر (UN-Habitat, 2017)، کامیابی شهری (UN-Habitat, 2013)، تاب‌آوری (UN-Habitat, 2018) را در دوره‌های مختلف مطرح کرد.

در این دوران سیاست‌های برگرفته از گفتمان سازمان‌های بین‌المللی که مبنای سیاست بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده، مورد نقد جدی قرار گرفته است و اینکه در بیشتر موارد نقش پیچیده دولت برای تأمین حمایت‌های نهادی از بازارهای آزاد به‌خوبی روشن بود که با ارائه سیاست‌های پوپولیستی برای ارائه دیدگاهی مناسب نسبت به شرایط قدرت همراه بود (Mukhija, 2001: 20). گرچه نظام سرمایه‌داری جهانی تمایل به نمود در شکل منجی تهیدستان داشت، اما جامعه جهانی با وجود این رویکردهای از بالا به پایین و برون‌سپاری‌های در چارچوب سرمایه‌داری همچنان شاهد گسترش سکونتگاه‌های تهیدستان بود و چرخه ناکارآمد بازتولید ساختاری سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری فعال بود و به گفته مایک دیویس شهروندی فقیرترین ساکنان در شهرها پذیرفته نشد و حتی انکار شده بود (ایراندوست و دوستوندی، ۱۳۹۴: ۱۹۵). سیاست‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول مهم‌ترین عامل رشد فقر مردم بومی و پیدایش سکونتگاه‌های فرودست و عامل اصلی رشد فقر و نابرابری شهری در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی و تضعیف نقش دولت‌های کشورهای در حال توسعه بود (Davis, 2006).

جنیس پرلمن نیز در پژوهش جدید خود با وجود پیشرفت‌های مادی، ایجاد شکاف بین‌نسلی و شکل‌گیری ذهنیت حاشیه‌نشینی و شکلی نو از حاشیه‌نشینی ساکنان فاولاها در یک ساختار سرمایه‌داری نو را برجسته کرده است که به بحران‌های شهری دامن زده است (پرلمن، ۱۳۹۷). نتایج پژوهش‌های جدید بر این یافته تأکید دارند که هرچه سکونتگاه‌ها از نظر اندازه و پیچیدگی رشد می‌کنند، از نظر اقتصادی و سیاسی در حاشیه باقی‌مانده و نمی‌توانند در شهر ادغام شوند.

همچنین تصور چارچوب غیررسمی بودن را متعلق به افراد فقیر نباید دانست؛ چراکه در سراسر جهان، شهری شدن غیررسمی به همان اندازه که مربوط به سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری است، به همان اندازه مناطق حومه مرفه نشین را نیز شامل می‌شود که توسط دولت و طی فرآیند رسمی برنامه‌ریزی قانونی می‌شوند (Rigon et al, 2020؛ Roy & Alsayyad, 2013؛ De Genova & Roy, 2020؛ Kovacic & Giampietro, 2017). از سوی دیگر امروزه باید اذعان داشت که ثروتمند شدن گروهی در ساختار جدید به برکت افزایش به حاشیه رانده شدن گروه فقیر در کشورهای جهان سوم حاصل شده است (Bayat, 2004).

از این رو نیاز به خوانشی دگراندیشانه نسبت به غیر رسمیت فراگیر شده است به طوری که با نگاهی انتقادی و بررسی سازوکارهای غیررسمی ساز همچون دولت، سرمایه و ابزارهای آن به زیست غیررسمی به‌عنوان نوعی از تولید فضای شهری و شکل دیگری از برنامه‌ریزی و فرایند شهری شدن بنگرد (Irandoost et al, 2019؛ Roy, 2005؛ Roy, 2012؛ آشوری و دیگران، ۱۳۹۷).

۲- صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در ایران

در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، در یک روند تاریخی و بیشتر استعماری بسترهای اجتماعی، سرمایه‌داری عمدتاً امری گزینشی و فرمایشی و برون‌زا بود که بیش از آنکه از ثروت به قدرت بیانجامد، از قدرت به ثروت انجامیده است (کاستللو، ۱۳۶۸؛

نوروز، ۱۳۸۱؛ بیل، ۱۳۷۳). با دگرگونی‌های نیمه دوم سده نوزدهم، فرایند گذار اساسی برای ادغام ایران در سرمایه‌داری جهانی شتاب گرفت و دگرشدن‌های برون‌زا و برآمده از غرب و نظام جهانی سرمایه‌داری دوران نوینی را شکل داد. صورت‌بندی اجتماعی جدید برآمده از این دگرگونی‌ها در چهره فروپاشی استبداد، ظهور طبقات اجتماعی نوین، دگرگونی در موازنه نیروها و تغییر آرایش طبقاتی جامعه بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۸۳).

گرچه سرآغاز اساسی این تحولات را می‌توان انقلاب مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۸۵) دانست که نظام مشروطه جایگزین استبداد قاجاری شد؛ اما روی کار آمدن پهلوی آغاز دگرگونی‌های ژرف و مدرنیزاسیون برآمده از الگوهای برون‌زا بود و شکل‌گیری ساختار اداری و سیاسی مدرن و دیوان‌سالاری و استبداد نفتی با تمرکز بر شهرها بود (اویسی، ۱۳۸۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۱). این فرآیند تاریخی با تصاحب ثروت‌های ملی به سود سرمایه‌های خارجی و نیز دیوان‌سالاران و پیمانکاران، تجار بزرگ و صاحبان صنایع داخلی و تمرکز دولت اقتدارگرا از یک‌سو و فقر سیاه اکثریت عظیم مردم و پامال شدن تام و تمام حقوق اجتماعی آنان و نبود هر نوع آزادی اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر بود (سوداگر، ۱۳۷۸). در این دوران بود که به تدریج دوگانه مرکز و حاشیه در زمینه شهری نمایان شد (ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۸۷: ۲۱؛ Fard, 2018).

۲-۱- گفتمان شبه مدرنیستی متمرکز پهلوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷)

دوران پهلوی، دوران نگاه متمرکز و دستوری بالا به پایین در راستای مدرنیزاسیون با الگوی غربی و ادغام در سرمایه‌داری جهانی است که در پی آن و در چارچوب شهری شدن شتابان سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری به مثابه چالشی بنیادی نمایان شدند. در دوران پهلوی اول سیاست‌هایی همچون تخته قاپوکردن عشایر، تشکیل نظام بوروکراتیک متمرکز اداری و پایه‌گذاری بنیان‌های اولیه مدرنیسم و در دوران پهلوی دوم اصلاحات ارضی، تأسیس سازمان برنامه (۱۳۲۷) و طرح‌ها و برنامه‌هایی همچون

اصل چهارم ترومن و همچنین طرح‌های جامع شهری، توسعه شهرمدار و تمرکز بر طرح‌های صنعتی با درآمدهای نفتی و دگرگونی پایگاه طبقاتی و کالبدی کشور و نوعی جداسازی طبقاتی و شکاف هر چه بیشتر افراد فقیر و غنی و مفهوم‌پردازی حاشیه‌نشینی به‌ویژه از سوی نظام رسمی شد.

تقویت دوگانه شهر و روستا و شکل‌گیری مفاهیمی گاه تحقیرآمیز چون شهری و "دهاتی" گفتمان نوی را درانداخت (بیات، ۱۳۷۹) و تهی‌دستان بیشتر مهاجر شهری را با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی به‌سرعت به تمایز فضایی و جدایی از گروه متوسط و ثروتمندان شهری مجبور کرد (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳؛ مناهجی، ۱۳۹۵؛ هادی‌زنوز، ۱۳۸۴؛ حاجی یوسفی، ۱۳۸۱).

گرچه پیشینه سکونت گروه‌های تهیدست شهری در حاشیه شهرهای بزرگ ایران به پیش از دوران پهلوی بازمی‌گردد، اما رشد آن از سال ۱۳۲۰ بعد شدت یافت (خاتم، ۱۳۸۱؛ ابراهیمی و مسگریان، ۱۳۸۷). از این دوران بود که طرح‌های توسعه شهری، قوانین و مقررات شهری همچون قانون شهرداری‌ها (۱۳۴۵) و قانون نوسازی و عمران شهری، تهیدستان ناتوان از تأمین شرایط لازم برای سکونت رسمی را به حاشیه راند و دوگانه رسمیت و غیر رسمیت را رسمیت بخشید. قانون شهرداری‌ها تخریب ساخت‌وسازهای غیرقانونی چه در داخل محدوده‌های شهری و چه در منطقه حریم اطراف شهرها را مجاز کرد و شکل‌گیری "جوامع مجزای تهیدستان" را شتاب داد (بیات، ۱۳۷۹: ۷۵).

در این دوران با بیشتر شدن شکاف مرکز - حاشیه و چالش مسکن تهیدستان شهری، با تشکیل وزارت مسکن، ساخت مسکن عمومی و احداث خانه‌های سازمانی و اسکان فقرا در قالب احداث مساکن ارزان‌قیمت مانند کوی ۱۳ آبان تهران قابل توجه بود (ایراندوست، ۱۳۸۶)؛ با این وجود مشکل مسکن رفته‌رفته بارزتر شد (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵). همچنین در این دوران بررسی‌های موردی درباره وضعیت سکونتگاه‌های

تهیدست نشین شهری در شهرهای تهران، آبادان، همدان و مشهد آغاز شد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۲).

آنچه در این دوره در ایران رخ داد، نه پیشرفت اقتصادی اجتماعی بود و نه مدرنیسم، بلکه شبه‌مدرنیستی بود که عواید نفت آن را تسریع کرد. در زمانی که ادعا می‌شد که کشور در آستانه "دروازه‌های تمدن بزرگ" قرار دارد، وضعیت معیشت و نیازهای پایه‌ای گروه‌های مختلف به‌ویژه فقرا در سطح بسیار نامطلوب بود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۳۲۳) به‌گونه‌ای که در این دوران نابرابری‌های عمیق‌تر اقتصادی میان طبقات و مناطق آشکار شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در ابتدای دهه ۱۳۵۰ شکاف آشکار و فزاینده شهری تهیدستی و ثروت شهری، نارضایتی فرودستان را به مسائل سیاسی پیوند داد و به چالشی برای دولت تبدیل کرد (موسوی، ۱۳۹۵). این سرآغاز رویارویی تهیدستان شهری با ساختار حاکم به‌ویژه در ارتباط با تخریب مسکن‌های غیررسمی (بیات، ۱۳۷۹) و تا حدی با رژیم پهلوی بود که نقش روشنی در براندازی رژیم پهلوی داشت (روزنامه‌ی ابتکار، ۱۳۹۵: ۳۳). به‌طورکلی در این دوره گفتمان چیره در مواجهه با سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری متأثر از گفتمان توسعه در سطح بین‌المللی شامل سیاست‌هایی همچون نادیده گرفتن، حذف و تخلیه اجباری و همچنین مسکن عمومی بود که البته نتوانست در عمل موجب بهبودی وضعیت اقشار کم‌درآمد شود و روزبه‌روز بر گستره سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری افزوده می‌شد.

۲-۲- گفتمان سنت‌گرایی و حمایت از مستضعفان (۱۳۶۸-۱۳۵۷)

انقلاب ۱۳۵۷ ایدئولوژی حاکم بر گفتمان چیره سیاسی - اقتصادی و اجتماعی ایران را با شعار توجه به خواست‌های گروه‌های تهیدست تغییر داد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۰۲) و در اصل سی و یکم قانون اساسی، داشتن مسکن مناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شد و دولت موظف شد زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد.

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۹۱

توجه به توسعه همه‌جانبه، حمایت از محرومان و مستضعفان به‌ویژه در حل مسئله مسکن، ضرورت از بین بردن فقر، اهمیت حضور و مشارکت همه‌جانبه مردم در فرآیند توسعه، از بین رفتن انحصار، اهتمام به بهبود زندگی همه شهروندان و بسط عدالت در کانون گفتمان رفاهی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران قرار داشت (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶: ۱).

در این دوران مستضعف در کانون توجه سیاسی قرار گرفت و کمک به فقرا گفتمانی نوینی شد که با دگرگونی‌های نهادی از جمله تشکیل جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفین و کمیته امداد و نیز اقداماتی از قبیل تأمین آب و برق سکونتگاه‌های کم‌درآمدها و به‌گونه‌ای به رسمیت شناخته شدن همراه شد. هم‌زمان با به رسمیت شناختن، وعده صاحب‌خانه شدن این گروه‌ها، تخصیص زمین و انواع یارانه به‌گونه‌ای پیشرفت آرام فقرای شهری را در پی داشت (بیات، ۱۳۷۹). در این دوره با تصویب قانون زمین شهری و لغو اراضی موات (۱۳۵۸) و تملک زمین شهری، وام و مصالح ارزان، و ترویج اشکالی از رویکرد زمین-خدمات، دولت به دنبال حل مسئله مسکن بود (اطهاری، ۱۳۸۵).

از سال‌های ۱۳۵۹ با وقوع جنگ تحمیلی و رشد شتابان شهری شرایط دشوارتر از گذشته شد و نبود سیاست اجتماعی منسجم و برنامه‌ریزی مسکن شهری کارآمد، حذف کم‌درآمدها یا شهروند زدایی آن‌ها و گسترش شتابان سکونتگاه‌های خودانگیخته در تمام کلان‌شهرهای ایران را در پی داشت (اطهاری، ۱۳۸۵: ۲۱). مشکلاتی مانند سیاست‌های متناقض زمین و مسکن، مشکلات مربوط به سرمایه و مبهم بودن جهت‌گیری‌های آتی بخش مسکن و کاهش عرضه زمین‌های شهری باعث افزایش مجدد قیمت مسکن شد و در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ با کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه مسکن و سوگیری ساخت مسکن بیشتر متوجه اقشار پردرآمد جامعه شد (عزیزی، ۱۳۸۴: ۲۶).

در این دوران طرح‌ها و برنامه‌های گوناگونی برای بهبود وضعیت مسکن با نگاه ویژه به کم‌درآمدان شهری تدوین شد. طرح آماده‌سازی زمین در سال ۱۳۶۴ بر پایه قانون زمین شهری (۱۳۵۴) از این جمله بود اما این طرح‌ها به دلیل نبود تأمین تأسیسات و زیرساخت‌ها، عدم دید به مشکلات مکان‌یابی و اجرای طرح، مشکلات قانونی مالکیت زمین، وجود دوگانگی‌های سیاست‌های موجود و ناسازگاری میان سیاست تقویت تعاونی‌ها و سیاست‌های اعتباری و عدم تأمین اشتغال ساکنان نتوانست چالش مسکن کم‌درآمدها را سامان دهد و از گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری جلوگیری کند (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲). در این دوره (۱۳۶۸-۱۳۵۷) نرخ فقر روستایی کاهش محسوسی نداشت، اما وضعیت نرخ فقر شهری در اواخر این دوره افزایش یافت (مدنی‌قهرخی، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۱۹۶).

در این دوران از سوی جامعه فن‌سالار علمی نیز مقالات متعددی درباره سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری نگاشته شد که عموماً واژگانی چون "آلونک‌نشینی"^۱ و حاشیه‌نشینی را برای این سکونتگاه‌ها به کار می‌بردند. همچنین واژگانی همچون مستضعفان، حلبی‌نشین، گودنشین و خندق‌نشین به‌ویژه از سوی مسئولان بسیار بکار برده می‌شد. باوجود تغییر گفتمان در این دوران، به نظر می‌رسد همچون گذشته دولت در عمل در نقش توزیع‌کننده رانت به افزایش شکاف فقر و غنای شهری دامن زد (هادی‌زنوز، ۱۳۸۴).

۲-۳- گفتمان توسعه و سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

شعار اصلی دوران سازندگی بازسازی اقتصاد آسیب‌دیده ایران ناشی از جنگ بود و در این راستا دولت اقداماتی چون آزادسازی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۹۳

خصوصی‌سازی را در دستور کار قرار داد.^۱ این دوره با فروپاشی بلوک چپ و رونق سیاست‌های لیبرالی با محوریت صندوق بین‌المللی پول همراه بود. در دوره‌ی سازندگی شعارهایی چون عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها، رفع فقر به تدریج رنگ باخت و سازندگی، احترام به مالکیت خصوصی، افزایش ثروت و گسترش سرمایه‌گذاری‌ها جایگزین آن شد. همچنین طبقه‌ی سیاسی - اقتصادی جدید و نوظهوری در بلوک قدرت ظاهر شد که خصلتی سرمایه‌دارانه، بوروکراتیک و تکنوکرات داشت (دلفروز، ۱۳۹۳؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ باقری دولت‌آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

اگرچه بر پایه آمارهای رسمی سهم جمعیت فقیر از ۲۷,۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۰,۹ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت (دلفروز، ۱۳۹۳؛ پیران، ۱۳۸۴: ۱۹). اما در عمل، کاهش سطح زندگی و شکاف طبقاتی و گسترش سکونتگاه‌های فقیرنشین برخی شورش‌های تهیدستان را در چند شهر بزرگ در اوایل دهه ۱۳۷۰ به دنبال داشت. به‌طور کلی پس از انقلاب و از سال ۱۳۶۸ به بعد به دلیل وجود شرایط جنگی، غلبه اقتصاد لیبرال، تغییر در درآمد و تحصیلات و اشتغال و وابستگی به دولت، فقر و نابرابری در ایران (هم از نظر ذهنی و هم از دیدگاه نسبی) افزایش یافت (رفیع‌پور، ۱۳۹۲: ۱۹۵-۱۷۵).

در چنین شرایطی موضوع سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری به‌عنوان یک "مسئله شهری" به رسمیت شناخته شد و شهروند دانستن کم‌درآمدهای شهری مورد توجه قرار گرفت و درباره سیاست‌های مسکن (مسکن آزاد، حمایتی و اجتماعی) و طرح‌های شهری به‌مثابه عامل زاینده غیررسمیت در مسکن تهیدستان شهری و نادیده گرفته شدن

۱- هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رییس دولت و در راستای نگاه لیبرالیستی و توسعه محوری اشاره می‌کند که: "ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی، روزبه‌روز کمتر شود" (باقری دولت‌آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

از سوی نهادهای مدیریتی به‌ویژه شهرداری‌ها و استفاده از ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها به تخریب مسکن روشنگری شد (خاتم، ۱۳۹۱: ۱۱۸). در این دوران در جامعه فن‌سالار علمی استفاده از واژه "حاشیه‌نشینی" همچنان رایج و چیره بود.

۲-۴- گفتمان اصلاحات و فقرزدایی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

در این دوره با روی کار آمدن دولت اصلاحات یک چرخش گفتمانی از توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی اتفاق افتاد و به دلیل بهبود درآمدهای نفتی سیاست‌های آزادسازی اقتصادی دولت قبل تداوم یافت (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۶). در این گفتمان برخلاف گفتمان توسعه و سازندگی، توجه اساسی به مسئله فقر و سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در قالب سیاست‌های برون‌زای بانک جهانی و نئولیبرالیسم (گفتمان آسیب‌شناختی) در ایران مطرح شد. در این راستا در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) برای نخستین بار، همگام با نهادهای دولتی، از نهادهای غیردولتی نیز به‌منظور کاهش فقر و محرومیت‌زدایی استفاده شد؛ به‌طوری‌که برای اولین بار، نهادهای ملی و دولتی، مردم و بخش خصوصی در زمینه فقرزدایی کنار هم دیده شد (حسینی و سام‌آرام، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۴). در این دوره گرچه بر اساس آمارها جمعیت زیرخط فقر از ۳۱ و ۳۹ درصد در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۷۹ به ۲۹ و ۲۸ درصد در سال ۱۳۸۳ رسید، اما برخی شاخص‌ها گسترش شکاف فقر در مناطق روستایی و شهری را نشان می‌داد (مدنی‌قهرخی، ۱۳۹۴: ۲۵۸ - ۲۵۷).

در این دوره ورود مفاهیم جدید به گفتمان رسمی چشمگیر بود و با اجرای طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن با همکاری بانک جهانی (Arefi, 2018) مفاهیم توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری مطرح شد. در این راستا شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران با همکاری وزارت کشور،

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۹۵

سند ملی "توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی" را تدوین و پس از تصویب مبنای سیاست‌گذاری و عمل در حوزه مسکن تهیدستان شهری کرد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۷۳).
از این رو این سند و اقدامات زیر تأثیر رویکردهای بانک جهانی و سازمان ملل (هیئات) را می‌توان از عناصر مؤثر بر گفتمان چیره این دوره دانست. در این دوران واژه سکونتگاه‌های فرودست^۱ که برای نخستین بار توسط هیئات معرفی شد، در جامعه فن‌سالار علمی رواج یافت. همچنین اکثر جوامع فن‌سالار دولتی و علمی تاکنون از واژه "غیررسمی" برای خوانش این سکونتگاه‌ها استفاده می‌کنند.

۲-۵- گفتمان عدالت و مهرورزی (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

انتقاد از کمرنگ‌شدن ارزش‌های انقلاب و لزوم بسط عدالت اجتماعی، خبر از چرخش جدید در فضای گفتمانی کشور را می‌داد. دولت نهم توانست طبقات سنتی پایین و متوسط را با شعارهای جذاب و عامه‌پسند جذب نموده و علاوه بر این از فقر مردم به دلیل فساد حاکم سوءاستفاده کند و سیاست‌های پوپولیستی دهه اول انقلاب را زنده کند (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۶۴-۲۶۳). در این دوران دال چیره از سوی وزیر راه و شهرسازی بر حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی بود که نشان از وضعیت این دوران است.

علاوه بر تأکید برنامه پنجم بر فقر، در این دوران "سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها" در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیئت‌وزیران رسید. اصول حاکم بر تدوین این مصوبه دسترسی همه افراد جامعه به حداقل نیازهای اساسی به‌عنوان یک حق همگانی، توانمندسازی فقرا باهدف شرکت در فرآیند فعالیت‌های اقتصادی و کسب مشاغل پایدار و آموزش مهارت‌های شغلی متناسب با نیازهای بازار، جهت‌گیری برنامه‌های فقرزدایی برای ترویج افراد دارای توانایی کار از پوشش خدمات حمایتی به

پوشش بیمه‌های اجتماعی است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۱۷۲-۱۷۱)؛ اما بر اساس هزینه خانوارها، در سال ۹۱ و ۹۲، ۳۳/۴ درصد از خانوارهای شهری و ۴۰/۱ درصد از خانوارهای روستایی زیرخط فقر بوده‌اند. همچنین فقر مطلق در دولت نهم و دهم کاملاً افزایش پیدا کرد. در این دوران توزیع یارانه‌ها، به‌ویژه در سال‌های آخر، ضریب جینی را دستخوش تغییرات غیرقابل‌انتظاری کرد به‌طوری‌که در سال ۹۱، این ضریب به رقم ۳۶ صدم رسید که نه بیانگر افزایش برابری در توزیع درآمد بلکه نشانه برابری در توزیع فقر در پهنای سرزمین ایران بود (شریف‌زادگان، ۱۳۹۵: ۶).

در این دوران بزرگ‌ترین طرح احداث مسکن کشور با عنوان "مسکن مهر" به هدف تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد به اجرا درآمد و هزاران واحد مسکونی ارزان‌قیمت احداث شد؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که این طرح در کلان‌شهرها و شهرهای میانی به دلیل نبود توان بازپرداخت وام، نداشتن تشکل لازم برای اقدام و افزایش هزینه‌ها، به گروه‌های هدف نرسید (حجاری، ۱۳۹۴ و فیروزی و دیگران، ۱۳۹۳). همچنین در این دوران (۱۳۸۸) دفتر هیئت‌ات با تمرکز بر موضوع کاهش آثار خطرات و بلایای طبیعی و نیز سکونتگاه‌های تهیدستان بر اساس موافقت‌نامه‌ای بین برنامه اسکان بشر ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد.

این دفتر، فعالیت‌ها و جلسات مکرری در خصوص فقر در ایران برگزار نمود و تأثیر بسیاری بر گفتمان فقر در ایران داشت. در این دوران جامعه فن‌سالار علمی نیز دیدگاه‌های گوناگونی نسبت به مسئله مندی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری داشتند و همچنان پژوهشگران برای این سکونتگاه‌ها از دال‌های "حاشیه‌نشین" و "اسکان غیررسمی" استفاده می‌کنند و دال حاکم بر جامعه فن‌سالار دولتی و رسانه‌ها نیز در همین راستاست.

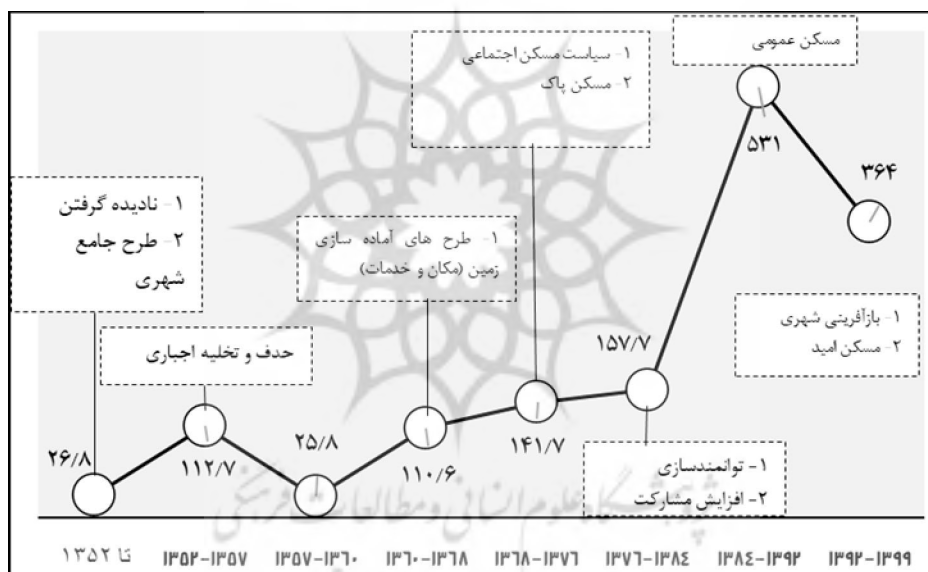
۲-۶- گفتمان اعتدال (۱۳۹۲ تاکنون)

اقتصادی مخدوش با رشد اقتصادی منفی میراث دولت نهم و دهم بود. با این حال، در سال ۹۲ نیز دولت یازدهم در کنار ادامه برنامه توزیع یارانه تصمیم گرفت با بازسازی اقتصاد کشور، راه گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات را به‌ویژه با تمرکز بر کنترل تورم ادامه دهد.

در این دوره و در برنامه ششم توسعه، سیاست‌هایی گوناگونی برای بهبود وضعیت فقرا و سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در نظر گرفته شده است. بند "ب" و "ت" این سند در راستای بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری و بهبود وضعیت و توانمندسازی فقرا (به‌خصوص با اولویت زنان) می‌باشد (برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۵: ۱). در این میان شرکت بازآفرینی شهری ایران از مهم‌ترین سازمان‌های گفتمان‌ساز چه در جامعه علمی و چه در جامعه دولتی بود. در این دوران سند بازآفرینی شهری برای بافت‌های ناکارآمد شهری در سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید. علاوه بر این با تغییر نام "ستاد ملی توانمندسازی" شکل گرفته در سال ۱۳۸۲ به "ستاد ملی بازآفرینی" این ستاد به‌صورت ملی و استانی در سطح کشور بار دیگر برگزار شد.

از دیگر سیاست‌های این دوره برای بهبود وضعیت مسکن فقرا می‌توان به مواردی همچون تداوم سیاست مسکن مهر دولت نهم و دهم، توجه به مسکن اجتماعی (بدون نمونه‌ای عینی)، بازنگری طرح جامع مسکن، طرح اقدام ملی مسکن و ایجاد دفاتر تسهیلگری و نهادهای توسعه محله اشاره کرد. در این فرآیند، مردم به‌عنوان مهم‌ترین رکن این برنامه مورد توجه قرار می‌گیرند و تمام سیاست‌های ارائه شده از سوی گفتمان اعتدال رو به سوی وضعیتی مشارکتی داشته است (شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۶)؛ اما وجود ساختار متمرکز و با ساختار اقتصادی معیوب و رانتی در همراه با تحریم‌های بین‌المللی اجرای سیاست‌ها را بسیار مشکل کرد. در این دوران علاوه بر حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی شاهد ترویج مفهوم بافت‌های ناکارآمد و سیاست بازآفرینی شهری به‌ویژه از سوی شرکت بازآفرینی شهری ایران هستیم.

در مجموع می‌توان گفت سیاست‌های دولت در دوره‌های مختلف برای بهبود وضعیت مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری تا حدی به اقتصاد سیاسی تک‌محصولی ایران یا همان درآمدهای نفتی و نیز پیروی از سیاست‌ها و گفتمان‌های بین‌المللی در هر دولت وابسته بوده است. یعنی در هر گفتمان بسته به وضعیت خزانه و درآمدهای نفتی با افزایش درآمدها سیاست‌هایی چون مسکن عمومی (مسکن مهر) در دستور کار قرار گرفته می‌شد و با کمبود درآمدها سیاست‌هایی چون مشارکت و نهادسازی‌هایی این‌چنینی در دستور کار بود. (تصویر ۱).



تصویر ۱- انطباق درآمدهای نفتی با سیاست‌های اتخاذشده در سکونتگاه‌های خودانگیزخته شهری (درآمد به میلیارد دلار)

با نگاه به گفتمان‌های چیره در ایران می‌توان گفت که سیاست‌ها و قوانین شکل‌گرفته در خصوص اقشار کم‌درآمد تا حدی وابسته به دیدگاه‌های گفتمان‌ساز بین‌المللی در سه زمینه گفتمان توسعه، فرهنگ فقر و آسیب‌شناختی بوده است. در

دوران پیش از انقلاب سیاست‌هایی چون نادیده گرفتن و حذف و تخلیه اجباری برگرفته از گفتمان توسعه در سطح بین‌المللی در نظر گرفته شد. در سال‌های اولیه پس از انقلاب با دگرگونی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور و شکل‌گیری نگرش اسلامی و انقلابی کمک به گروه‌های کم‌درآمد در اولویت قرار گرفت و سعی بر آن شد تا از دیدگاه‌های سرمایه‌داری فاصله گرفته شود اما با وقوع جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی بار دیگر سیاست‌های گفتمان توسعه سرلوحه سیاست‌های ملی قرار گرفت که نتیجه آن وقوع شورش‌های شهری (همچون مشهد) در کشور بود. در این دوران بود که به‌صورت برون‌زا سیاست‌های طرح آماده‌سازی زمین (زمین و خدمات) و مسکن پاک در اولویت قرار گرفت که البته از گروه‌های هدف خود (گروه‌های کم‌درآمد) بازماند.

پس‌ازاین دوران بود که با بهبود تعاملات بین‌المللی در ایران در دولت اصلاحات و ورود بانک جهانی به ایران سیاست‌های همچون توانمندسازی در راستای گفتمان آسیب‌شناختی مطرح شد و به تصویب سند ملی توانمندسازی انجامید اما در دوره‌های بعد این سیاست‌ها تداوم نیافت و دیدگاه چیره به سمت مسکن عمومی (مسکن مهر) متمرکز شد. در گفتمان اعتدال بار دیگر با غلبه سیاست‌های آسیب‌شناختی رویکردهایی چون افزایش مشارکت عمومی، نهادسازی و بازآفرینی شهری مورد توجه قرار گرفت (جدول ۴).

در نهایت می‌توان گفت در ایران همواره مسئله دوگانه فقیر/غنی و رسمی/غیررسمی از پیش از انقلاب تاکنون ادامه داشته و هر بار با برجسب‌هایی چون حاشیه‌نشینی، دهاتی، خندق‌نشینان، سکونتگاه‌های غیررسمی و... گروه‌های کم‌درآمد در سکونتگاه‌هایی با ساختاری متفاوت از بافت رسمی شهر و به‌صورت خودانگیخته تفکیک شده‌اند.

جدول ۳ - صورت‌بندی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در ایران

دوره	گفتمان	نکات کلیدی	سیاست‌های اجرایی	دال چیره
۱۳۵۱-۱۳۰۰	گفتمان شبه مدرنیستی متمرکز پهلوی	۱- تخته‌قاچو کردن عشایر ۲- اصلاحات ارضی ۳- تأسیس سازمان برنامه و بودجه ۴- تهیه طرح‌های توسعه شهری ۵- درآمد‌های سرشار نفتی ۶- تأثیر قوانین شهرداری‌ها و نوسازی شهری	نادیده گرفتن حذف و تخلیه اجباری مسکن عمومی	"دهاتی"، "حلبی‌آبادها"
۱۳۵۷-۸۵۱۱	گفتمان سنت‌گرایی و حمایت از مستضعفان	۱- ایجاد سازمان‌های حامی مستضعفان ۲- وقوع جنگ ایران و عراق ۳- رشد شهری شتابان ۴- قوانین زمین شهری و اراضی موات شهری ۵- تدوین قانون اساسی (اصل ۳۱)	زمین و خدمات (تحت عنوان آماده‌سازی)	"خندق‌نشینان"، "حلبی‌آبادها"، "گودنشینان" و "آلونک‌نشینانی"
۱۳۷۹-۷۶۱۱	گفتمان توسعه و سازندگی	۱- ورود صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ۲- سیاست‌های تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و کاهش دخالت دولت در اقتصاد ۳- ایجاد شکاف طبقاتی ۴- شورش‌های شهری ۵- شروع تهیه برنامه‌های توسعه کشور	مسکن پاک (مسکن اجتماعی)	"حاشیه‌نشینانی"

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۱۰۱

۱۳۷۱-۱۳۷۵	گفتمان اصلاحات و فقرزدایی	۱- تأکید بر توسعه سیاسی ۲- ادامه سیاست‌های اقتصادی دولت پیشین ۳- استقرار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ایران و اعطای وام	سند توانمندسازی افزایش مشارکت	"اسکان غیررسمی" و "حاشیه‌نشینی"، "سکونتگاه‌های فرودست"،
۱۳۷۲-۱۳۷۶	گفتمان عدالت و مهرورزی	۱- درآمدهای سرشار نفتی ۲- ورود سازمان هیئات به ایران ۳- حذف سازمان برنامه‌بودجه ۴- تحریم‌های اقتصادی ۵- هدفمندسازی یارانه‌ها	مسکن مهر	"اسکان غیررسمی" و "حاشیه‌نشینی"، "سکونتگاه‌های فرودست"، "سکونتگاه‌های فقیرنشین"
۱۳۷۱-۱۳۷۲	گفتمان اعتدال	۱- کاهش شدید درآمدهای نفتی ۲- تحریم‌های اقتصادی ۳- احیای سازمان برنامه بودجه ۴- تأکید بر تهیه برنامه آمایش کشور ۵- بازنگری طرح جامع مسکن کشور	بازآفرینی مسکن امید	"اسکان غیررسمی" و "حاشیه‌نشینی"، "سکونتگاه‌های فرودست"، "سکونتگاه‌های فقیرنشین"، "بافت ناکارآمد"

نتیجه‌گیری

گفتمان‌ها کارکرد ایدئولوژیک دارند، از این رو واکاوی ریشه نگرانه گفتمان مدعی است که کنش‌های گفتمانی به آفرینش و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی کمک می‌کند. از این رو است که تحلیل انتقادی گفتمان بر آن است که ایدئولوژی‌هایی که چیرگی یک گروه بر دیگران را تئوریزه می‌کنند را شناخته و به

چهارچوب‌های پنهان قدرت که خود را در پیوندهای اجتماعی پنهان کرده‌اند دست یابد. به‌راستی ایدئولوژی‌ها و کنش ایدئولوژیک شاید به‌اندازه کم یا فزون از منشأ اجتماعی و منافع ویژه‌ای که به وجودشان آورده‌اند، بگسلند و یا به‌عبارت‌دیگر به‌جای آنکه برخاسته از منافع طبقات یا گروه‌های اجتماعی دانسته شوند، به‌صورت خرد درست جلوه می‌کنند و به سرشت اشیا و مردم منتسب می‌شوند. از این رهگذر، ایدئولوژی‌ها و اعمال بهنجار شده به بخشی از دانش‌پایه تبدیل می‌شوند و بدین‌سان انتظام در همکنش‌ها، به‌عنوان رخدادهای خرد و موضعی به انتظامی بالاتر، یعنی سازشی بر سر مواضع و اعمال ایدئولوژیک وابسته خواهد بود.

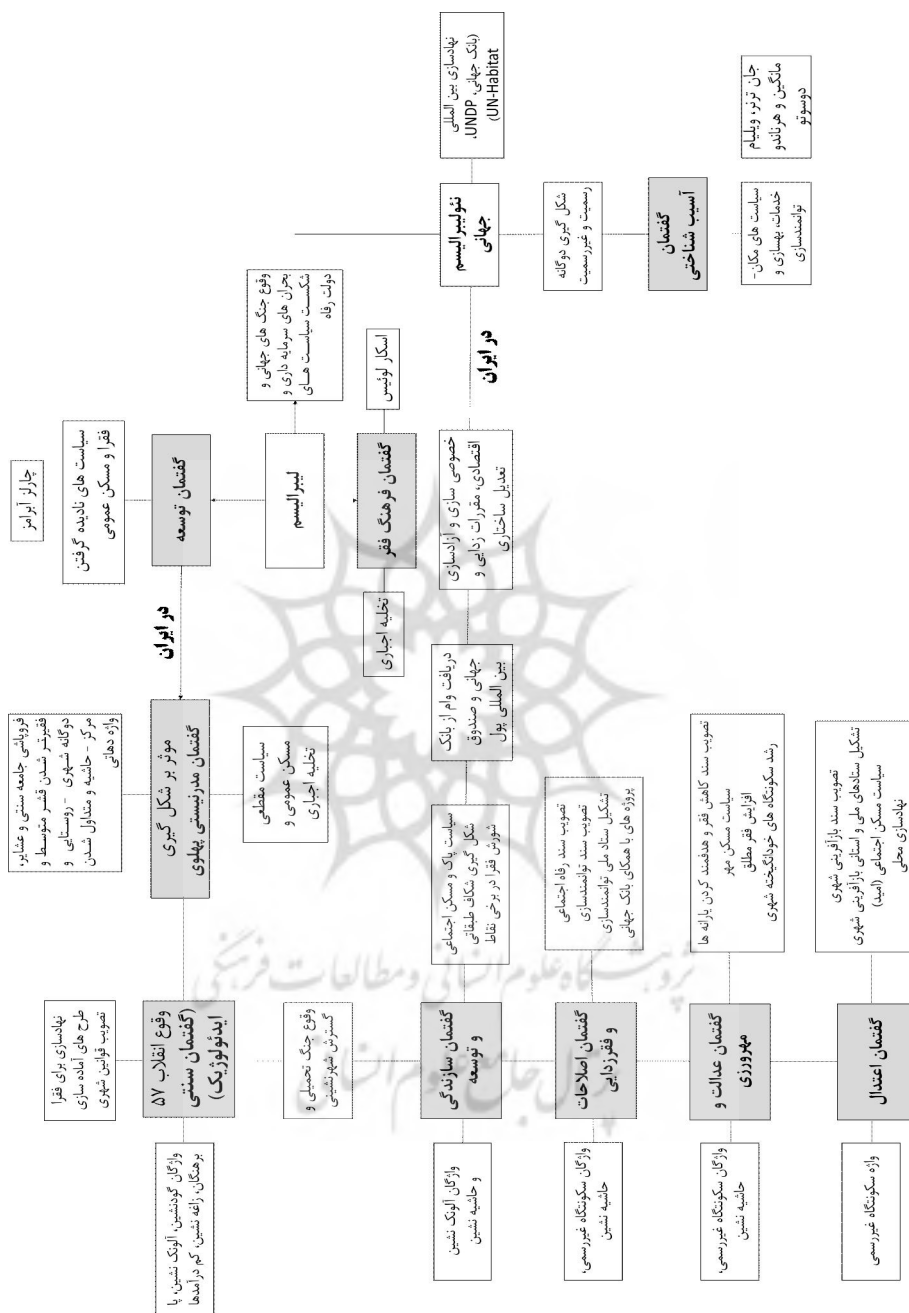
به‌راستی هرچه چیرگی یک بازنمود ویژه از یک پیوند اجتماعی بیشتر باشد، میزان "طبیعی‌شدگی" اعمال مربوط به آن بیشتر خواهد شد. میزان این طبیعی‌شدگی و عوامل ایدئولوژیک به برپایی روش تحلیل انتقادی گفتمان قوت می‌بخشد و هدف از آن زدودن همین طبیعی‌شدگی انتزاعی است؛ از این‌رو است که گفتمان‌های جریان غالب برساخته و بازتولید می‌شوند. در حقیقت طبیعی‌شدگی، بازنمودهای ایدئولوژیک خاص را به‌صورت عقل سلیم درمی‌آورد و بدین‌وسیله آن‌ها را غیر شفاف می‌کند، یعنی دیگر به‌عنوان ایدئولوژی به آن‌ها نگاه نمی‌شود. در طول دوره‌های مختلف گفتمان‌های گوناگونی پیرامون سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در جهان و ایران وجود داشته است. در سطح جهانی و از زمان چیره شدن لیبرالیسم تا سلطه نئولیبرالیسم جهانی در دوران کنونی با ابزارهای نهادی و سازمانی، گفتمان‌های توسعه، فرهنگ فقر و آسیب‌شناسی از جمله گفتمان‌های چیره و تأثیرگذار بوده‌اند.

در طی این روند با غلبه سیاست‌های مختلف از جمله بازار آزاد، تعدیل ساختار اقتصادی و تشکیل نهادهای مختلف (همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان هیئات) و سرمایه‌داری نئولیبرال سیاست‌های گوناگونی بر فقرا از جمله نادیده گرفتن و حذف و تخلیه اجباری، زمین و خدمات، بهسازی و توانمندسازی تحمیل شد. در سال‌های اخیر نیز برنامه اسکان بشر ملل متحد با معرفی رویکردهای نوین همچون

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۱۰۳

تاب‌آوری، بازآفرینی، حق محوری و... به دنبال به حاشیه بردن مطالبات رادیکال شهروندان و ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری با نگاهی فروکاست گرایانه است و افزون بر این بر اشاعه این دیدگاه‌ها بر کشورهای مختلف همت داشته‌اند.

در ایران (سطح ملی) نیز در هر دوره با توجه به تأثیرات سیاست‌های سرمایه‌داری جهانی، رویکردهای گوناگونی متناسب با آن دوره در نظر گرفته شده است. سیر تاریخی از گذشته تاکنون نشان‌دهنده ناکارآمدی گفتمان‌های چیره و گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری و افزایش شکاف طبقاتی میان گروه‌های مختلف درآمدی است. از این‌روی در دوران کنونی در راستای پیشگیری از بازتولید فقر نیاز به در نظر گرفتن نگرشی انتقادی و دگراندیشانه که لایه‌های زیرین مسئله را با در نظر گرفتن سازوکارهای غیررسمی ساز و با توجه به اقتصاد سیاسی فضا مدنظر قرار می‌دهد، به‌شدت احساس می‌شود تا بتوان در نهایت از دوگانه رسمی / غیررسمی فراروی کرد.



نمودار ۲- ایدئوگرام گفتان‌های چیره در سطح بین‌المللی و ملی

منابع

- ابادزی، یوسفعلی و پرنیان، حمیدرضا. (۱۳۹۴)، استقرار آموزشی مکتب نیاوران تاریکچه ایجاد نهادهای دولتی آموزش مدیریت و اقتصاد بازار آزاد، *نشریه مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۲۲، شماره ۲: ۱۵۱-۱۷۶.
- ابراهیمی، سید محمد؛ مسگریان، علی. (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه‌نشین و ارتباط آن با جرائم (در مناطق اقبالیه، پویندرو خیرآباد قزوین)، *نشریه اصلاح و تربیت*، شماره ۷۸: ۱-۲۰.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی. (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران* ترجمه سهیلا ترابی فارسائی، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول.
- اطهاری، کمال. (۱۳۸۵)، نظام تأمین مسکن بیمه‌شدگان و جایگاه سازمان تأمین اجتماعی، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۲۴: ۱-۲۹.
- اویسی، داوود. (۱۳۸۶)، بررسی اجمالی الگوهای توسعه در ایران: توسعه در هزارتوی فراموشی، *روزنامه اعتماد*، شماره ۱۳۹۷: ۳۰ اردیبهشت.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۶)، اسکان غیررسمی جلوه‌ای از توسعه ناپایدار شهری، *رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه شهید بهشتی.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۸)، *سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی*، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول.
- ایراندوست، کیومرث و دوستوندی، میلاد. (۱۳۹۴)، حق به شهر و سکونتگاه‌های فقیرنشین با تأکید بر سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در ایران، *نشریه هفت شهر*، شماره ۴۹ و ۵۰: ۱۸۴-۲۰۵.
- ایزدی، محمد سعید. (۱۳۹۰)، گزارش ملی بهسازی مناطق نابسامان شهری جمهوری اسلامی ایران، *نشریه هفت شهر*، شماره ۳۶-۳۵: ۶۵-۸۴.
- ایوانز، پیتر. (۱۳۸۴)، *نئولیبرالیسم: تنگنا و گشایش در راهبر معاصر توسعه ترجمه مهناز ملک‌عیبری، نشریه مجلس و پژوهش*، سال ۱۲، شماره ۴۹ و ۵۰: ۳۴۳-۳۹۵.
- آشوری، کسری؛ ایراندوست، کیومرث و خالق پناه، کمال. (۱۳۹۷)، تحلیل فرایند تولید فضای غیررسمی در شهر سنندج، *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، سال پنجم، شماره ۱: ۲۱۱-۲۴۲.

۱۰۶ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۸

- باقری دولت‌آبادی، علی و ابراهیمی، حسین. (۱۳۹۵)، توسعه محوری در دولت‌سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی دولت پژوهی*، سال دوم، شماره ۶: ۱۳۳-۱۷۳.
- بلوخ، مارک. (۱۳۶۳)، *جامعه فئودالی* ترجمه: بهزاد باشی، تهران: آگاه، چاپ اول.
- بیات، آصف. (۱۳۷۹)، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران* ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: نشر شیرازه کتاب ما، چاپ اول
- بنرجی، آبهیجیت و دوفلو، استر. (۱۳۹۲)، *اقتصاد فقیر بازانندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی* ترجمه: جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، چاپ اول.
- پاتر، رابرت و ایوانز، سلی لوید. (۱۳۸۴)، *شهر در جهان در حال توسعه* ترجمه: کیومرث ایران‌دوست؛ مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.
- پرلمن، جانیس. (۱۳۹۷)، *فاولا: چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های غیررسمی ریودوژانیرو* ترجمه: کیومرث ایران‌دوست و گلایول مکرونی، کردستان: انتشارات دانشگاه کردستان، چاپ اول.
- پولانی، کارل. (۱۳۹۸)، *دگرگونی بزرگ خاستگاه سیاسی و اقتصادی روزگار ما* ترجمه: محمد مالجو، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۳)، *آلونک‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری، با نگاهی به شرایط ایران، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۸۷ و ۸۸: ۹۶-۱۰۱.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴)، *فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران، نشریه رفاه اجتماعی*، دوره پنجم، شماره ۱۸: ۱۳-۴۰.
- ترکمه، آیدین و شیرخدایی، آناهید. (۱۳۹۵)، *بازاندیشی غیررسمیت و فقر/ناابرابری شهری: دیدگاهی روش‌شناختی، نخستین همایش بین‌المللی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری: به‌سوی بهسازی و بازآفرینی پایدار*، سندج، ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت‌ماه.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۹۳)، *تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر از ۶۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ میلادی*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- حاجی حسینی، بهاره و سام آرام، عزت‌اله. (۱۳۹۳)، *تحلیل گفتمان دولت اصلاحات و جایگاه فقرزدایی در آن، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۲۱: ۲۴-۲۱.

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۱۰۷

- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۱)، حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، نشریه هفت شهر، سال سوم، شماره ۸: ۱۲-۲۴.
- حجاری، سید جعفر. (۱۳۹۳)، ارزیابی وضعیت طرح مسکن مهر از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر ماهشهر)، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۹، شماره ۲: ۲۳۹-۲۵۶.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی و حائری، محمدرضا. (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۵)، مصرف مسکن در ایران از دیروز تا امروز، نشریه زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، دوره ۳۹، شماره ۱۶۰ - ۱۶۱: ۵۳-۷۴.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله، نشریه هفت شهر، دوره ۱، شماره ۹ و ۱۰: ۳۳-۴۲.
- دسوتو، ارناندو. (۱۳۸۹)، راه دیگر ترجمه: جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- دلفروز، محمدتقی. (۱۳۹۳)، دولت و توسعه اقتصادی (اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا)، انتشارات آگاه، تهران.
- دسوتو، هرناندو. (۱۳۸۵)، راز سرمایه: چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جابه‌جایی دیگر شکست می‌خورد؟ ترجمه: فریدون تفضلی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۹۲)، توسعه و تضاد کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- روزنامه ابتکار. (۱۳۹۵)، کاغذ روزنامه، هیزم انقلاب، آبان ماه، شماره ۳۵۶۷.
- روزنامه دنیای اقتصاد. (۱۳۹۶)، نگاهی به گفتمان رفاهی امام خمینی (ره).
- رهنما، سعید. (۱۳۹۵)، گذار از سرمایه‌داری ترجمه: پرویز صداقت، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- سازمان برنامه‌بودجه کشور. (۱۳۴۳)، برنامه عمرانی سوم پیش از انقلاب، تهران.
- سازمان برنامه‌بودجه کشور. (۱۳۹۵)، برنامه ششم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۹۴)، گزارش رهنمودها و تدابیر آمایش سرزمین برای برنامه ششم توسعه کشور، تهران.

۱۰۸ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۸

- سرایی، حسن؛ فتحی، سروش و زارع، زهرا. (۱۳۸۷)، روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، *نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، سال دوم، شماره ۳: ۸۳-۱۰۶.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۷۸)، *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: (مرحله گسترش) ۱۳۴۴ - ۱۳۵۷*، تهران: نشر فرزین، چاپ اول.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۲)، *بررسی سیر تحول اسکان غیررسمی با تأکید بر ایران*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- شرکت بازآفرینی شهری ایران. (۱۳۹۶)، *دستورالعمل اجرایی جریان سازی بازآفرینی محدوده‌ها و محلات ناکارآمد مبتنی بر رویکرد اجتماع‌محور*، تهران.
- شریف‌زادگان، محمدحسین. (۱۳۹۵)، بازگشت فقر مطلق پیش از انقلاب در دولت‌های نهم و دهم، *روزنامه تعادل نیاز اقتصاد ایران*، تهران، ۲۰ تیر.
- شقاقی، مهدی و فدایی، غلامرضا. (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان انتقادی و کاربرد آن در پژوهش‌های علم اطلاع‌رسانی، *نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، شماره ۶۳: ۲۶-۵.
- شیخی، محمد و داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹)، تبیین الگوی مداخله در اسکان غیررسمی (نمونه موردی محله چاهستانی‌ها در شهر بندرعباس)، *نشریه هفت شهر*، ۳۳ و ۳۴: ۵۹-۷۲.
- صادقی بروجنی، خسرو. (۱۳۹۰)، نو لیبرالیسم در بوته نقد (مجموعه مقالات)، *نشر الکترونیکی*.
- الصیاد، نزار. (۱۳۹۵)، زیست غیررسمی، شیوه جدیدی از زندگی ترجمه و تلخیص امیر طهرانی، *سایت رخدادهای تازه اندیشه*، به نشانی:
<http://rokhdataze.com/archive/rokhdaditext/urban-informality-new-way-life-2>
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۳: ۲۵-۳۴.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۳)، گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال چهارم، پاییز، شماره ۱۴: ۸۱-۱۰۷.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: فاطمه شایسته پیران؛ شعبان علی بهرام پور؛ رضا ذوقدارمقدم؛ رامین کریمیان؛ پیروز ایزدی؛ محمود نیستانی و محمدجواد غلامرضا کاشی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های، چاپ اول.

صورت‌بندی انتقادی گفتمان سکونتگاه‌های خودانگیخته... ۱۰۹

- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۷)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول.
- فوکو، میشل. (۱۳۹۰)، *باید از جامعه دفاع کرد*، ترجمه: نجف زاده، رضا، تهران: نشر رخ داد نو، چاپ اول.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۲)، فرجام تاریخ و آخرین انسان ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی خارجی، *دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل*، شماره ۳۶۳.
- فیروزی، محمدعلی؛ نعمتی، مرتضی و داری پور، نادیا. (۱۳۹۳)، سنجش و ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در طرح مسکن مهر (مطالعه موردی: شهر امیدیه)، *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، سال سوم، شماره ۱۱: ۴۹-۶۲.
- قراگوزلو، محمد. (۱۳۹۲)، *امکان فروپاشی سرمایه‌داری و دلایل شکست سوسیالیسم اردوگاهی*، تهران: موسسه انتشارات نگاه، چاپ اول.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۸۱)، *اقتصادی سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی* ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- کاستللو، وینسنت فرانسیس. (۱۳۶۸)، *شهرنشینی در خاورمیانه*، ترجمه: پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- کاکرین، آلن. (۱۳۹۷)، *سیاست‌های شهری: رویکردی انتقادی*، ترجمه: عارف اقوامی مقدم، تهران: انتشارات آذرخش، چاپ اول.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۹)، *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، شیراز: نشر نوید، چاپ اول.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۹۴)، *ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران*، تهران: نشر آگاه، چاپ اول.
- مردانی، عرفان. (۱۳۹۴)، *جلوه‌های اقتصاد پنهان چیست و چگونه آشکار می‌شوند؟ اقتصاد سیاه ناهنجاری‌های پنهان، هفته‌نامه تجارت فردا*، شماره ۱۶۱.
- محمدی، اکبر و آشوری، کسری. (۱۳۹۶)، *درآمدی بر برنامه‌ریزی مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری با تأکید بر توسعه درون‌زا*، کردستان: جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۵)، *دولت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: نشر نی، چاپ اول.

۱۱۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۸

- مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، شماره ۲: ۹۱-۱۲۴.
- موسی زاده، رضا. (۱۳۷۹)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- نعمان‌فر، ابراهیم. (۱۳۷۴)، اطلاعات تجاری: صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (وجوه تمایز آن‌ها با یکدیگر)، *نامه اتاق بازرگانی*، دی‌ماه، شماره ۳۳۳: ۱۰۲-۱۰۳.
- نقدی، اسد اله. (۱۳۹۲)، *حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها-روش‌ها-مطالعات موردی)*، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- نوروز، مهدی. (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی سرمایه‌داری در ایران؛ از بنیان‌ها تا رویکردها، *نشریه پگاه حوزه*، شماره ۶۰: ۱-۲۳.
- هادی‌زنوز، بهروز. (۱۳۸۴)، فقر و نابرابری درآمد در ایران، *نشریه رفاه اجتماعی*، شماره ۱۷: ۱۶۲-۲۰۳.
- هاروی، دیوید. (۱۳۸۶)، *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*، ترجمه: محمود عبدالله زاده، تهران: نشر اختران، چاپ اول.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۵)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- یونس، محمد. (۱۳۹۲)، *بانک تهیدستان: وام‌های کوچک، ابزار مبارزه با فقر جهانی*، ترجمه: علی بابایی؛ زهرا عنایتی؛ علیرضا خیری و سهیل پورصادقی حقیقت، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، چاپ اول.

- Arefi, M. (2018). *Learning from Informal Settlements in Iran: Models, Policies, Processes, and Outcomes*. Springer: Palgrave Macmillan, Cham.
- Banfield, E. C. (1968). *The Unheavenly City*, Little, Brown, Boston.
- Bayat, Aref (2004). *Globalization and the Politics of the Informals in the Global South*, Chapter of book, New York: Lexington books.
- Cities Alliance (2011). The Case for Incremental Housing, *Cities Alliance Policy Research and Working Papers Series No. 1*.
- Davis, E Philip & Sanchez-Martinez, Miguel (2014). A review of the economic theories of poverty, *National Institute of economic and social research*, (4): 435.
- Davis. M (2006), *Planet of Slums*, New York: Verso.

- De Genova, N., & Roy, A. (2020). Practices of Illegalisation. *Antipode*, 52(2): 352-364.
- Eames, E., Goode, J (1970) 'On Lewis' culture of poverty concept' [bibliogr.], *Current anthropology*, 11 (4-5): 479-482.
- Fairclough, N. (1992) *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. (1995) *Media Discourse*, London: Edward Arnold.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing discourse: Textual analysis for social research*. London: Psychology Press.
- Fairclough, Norman (2010). *Critical Discourse Analysis The Critical Study of Language*, London: Routledge.
- Fard, H. R. (2018). Urbanization and informal settlement challenges: Case study Tehran metropolitan city, *Open House International*, 43(2), 77-82.
- Gajdosikienė, Indrė (2004). Oscar Lewis' Culture of Poverty: Critique and Further Development, *Sociologija. Mintis ir veiksmai*, (130): 88-96.
- Gattoni, George (2009). A Case for the Incremental Housing Process in Sites-and-Services Programs and Comments on a New Initiative in Guyana, *Inter-American Development Bank*: 1-18.
- Hall, Pitter (2014). *Cities of Tomorrow*, UK: Wiley.
- Harrison, David (1976). The Culture of Poverty in Coconut Village, *Trinidad: A Critique, the Sociological Review*, Volume 24, Issue 4: 831-858.
- Harvey, David L & Reed, Michael H (1996). The Culture of Poverty: An Ideological Analysis, *Sociological Perspectives*, Vol. 39, No. 4: 465-495.
- Hill, Ronald Paul & Gaines, Jeannie (2007). The Consumer Culture of Poverty: Behavioral Research Findings and Their Implications in an Ethnographic Context, *the Journal of American Culture*, Volume 30 (1): 81-95.
- Irandoost, K., Doostvandi, M., Litman, T. and Azami, M. (2019), "Placemaking and the right to the city of urban poor: a case study in Sanandaj, Iran", *Journal of Place Management and Development*, Vol. 12 No. 4: 508-528
- Kovacic, Z., & Giampietro, M. (2017). Between theory and quantification: An integrated analysis of metabolic patterns of informal urban settlements. *Energy Policy*, 100: 377-386.
- Lewis, Oscar (1966). The Culture of Poverty, *Scientific American*, Vol 215 (4): 19-25.
- LOMASKY, LOREN & SWAN, KYLE (2009). Wealth and Poverty in the Liberal Tradition, *the Independent Review*, 13(4): 493-510.
- Marcuse, Peter (1995). Interpreting "Public Housing" History, *Journal of Architectural and Planning Research*, Vol. 12 (3): 240-258.

- Marx, Karl (1989). “Drafts of the Letter to Vera Zasulich,” and “Letter to Vera Zasulich (March 8, 1881).” In *Collected Works, Karl Marx and Frederick Engels*, **New York: International Publishers**, Vol. 24: 346— 71.
- Matovu, George (2000). *Upgrading Urban Low-income Settlements in Africa: Constraints, Potentials and Policy Options*, Regional Roundtable on Upgrading Low-Income Settlements, Johannesburg, and South Africa.
- McDonald, John F (2011). Public Housing Construction and the Cities: 1937–1967, *Urban Studies Research*, Volume 2011:1- 12.
- Mittelman, J. H. (2000). *The Globalization Syndrome: Transformations and Resistance*. Princeton: Princeton University Press.
- Morris, Michael (1968). From the Culture of Poverty to the Underclass: An Analysis of a Shift in Public Language, *The American Sociologist* Vol. 20 (2):123-133.
- Mukhija, Vinit (2001). Enabling Slum Redevelopment in Mumbai: Policy Paradox in Practice, *Housing Studies*, 18(4): 213-222.
- Murry, V. McBride, Emelie Ph. Smith, and Nancy E. Hill (2001) ‘Race, Ethnicity, and Culture in Studies of Families in Context’, *Journal of Marriage and Family* 63(4): 911-915.
- Perlman, Janice (1973). *FAVELA Four Decades of Living on the Edge in Rio de Janeiro*, Published by Oxford University Press, Inc.
- Perlman, Janice E (2004). *Marginality: From Myth Reality in the Favelas of Rio de Janeiro*, Chapter of book, New York: Lexington books.
- Rawls, J (1971). *A Theory of Justice*, Harvard University Press: <https://doi.org/10.2307/j.ctvjf9z6v>.
- Rigon, A., Walker, J., & Koroma, B. (2020). Beyond formal and informal: Understanding urban informalities from Freetown. *Cities*, 105:102-112.
- Roy, A & Alsayyad, N (2013). *Urban informality*, Lexington: Oxford.
- Roy, A. (2012). Urban informality: The production of space and practice of planning. *The Oxford handbook of urban planning*, 691-705.
- Roy.A (2005), Urban Informality: Toward an Epistemology of Planning, *Journal of the American Planning Association*, 71:2: 147-158.
- Soss, Joe & Schram, Sanford F (2006). Welfare reform as a failed political strategy: Evidence and explanations for the stability of public opinion, *Focus* Vol. 24(2): 16-23.
- Townsend, P. (1979), *Poverty in the United Kingdom*, London: Allen Lane and Penguin Books.

- Turok, I., & Borel-Saladin, J. (2018). The theory and reality of urban slums: Pathways-out-of-poverty or cul-de-sacs?. *Urban Studies*, 55(4), 767-789.
- UnHabitat (1976). *Report of Habitat: united nations conference on human settlements*.
- UN-Habitat (2003) *The challenge of slums. Global report on human settlements*. Earthscan, London.
- UnHabitat (2013). *STATE OF THE WORLD'S CITIES: Prosperity of Cities*.
- UnHabitat (2017). *Inclusive Cities: Enhancing the Positive Impact of Urban Migration*.
- UnHabitat (2018). *Urban Resilience Series: Gender Equality Enhancer*.
- United Nation conference on human settlement (1976), *The Vancouver Declaration on Human Settlements: Habitat*, Vancouver, Canada, 31 May to 11 June
- Valentine. Ch (1968). *Culture and Poverty: Critique and Counter-Proposals*. University of Chicago Press.
- Vedlitz, Arnold (1988). A Question of Values: Conservatives and the Culture of Poverty, *Social Justice Research*, Vol.2, No.4: 235-248.
- Xing, L., & Hersh, J. (2004). The Genesis of Capitalism: The Nexus between 'Politics in Command' and Social Engineering. *American Review of Political Economy*, Vol. 2, No.2: 100-144.
- YILMAZ GENÇ, Sema (2011): The Historical Evolution of the Capital Accumulation in the Capitalist System, *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2 No. 9: 268-274.